چرا نماهنگ دخترانه «کیمیا» قابل دفاع است

کیمیایی در جولان شعارها

نماهنگ پنج‌دقیقه‌ای به نام «کیمیا» در فضای مجازی منتشر شده است که به‌جرات می‌توان گفت از اولین آثار تصویری است که نسبت به حضور و فعالیت اجتماعی دختران ایرانی، بلاتکلیف و معلق نیست. سازندگان کیمیا سعی کردند دنیای دختران نوجوان امروز را واقعی ببینند. فارغ از اینکه کیفیت فنی و هنری این نماهنگ چیست، ساخت چنین آثاری از این جهت اهمیت دارد که بار دیگر بپرسیم چرا در دستگاه‌های عریض و طویل رسانه‌ای ایران، اثری درخور آرزوهای نسل فراموش‌شده نوجوان تولید نمی‌شود؟ چرا نماهنگی همچون کیمیا در رسانه ملی ساخته و پخش نمی‌شود؟ قطعاً سیاست اعلامی جمهوری اسلامی در ورود حضور اجتماعی زنان مشخص و واضح است و سوال این است که آیا مدیران رسانه ملی هم قائل به این سیاست هستند؟ آیا آنها هم حاضرند دنیای واقعی دختران ایرانی را فهم کنند و برای آرزوهایشان ارزشی قائل هستند؟

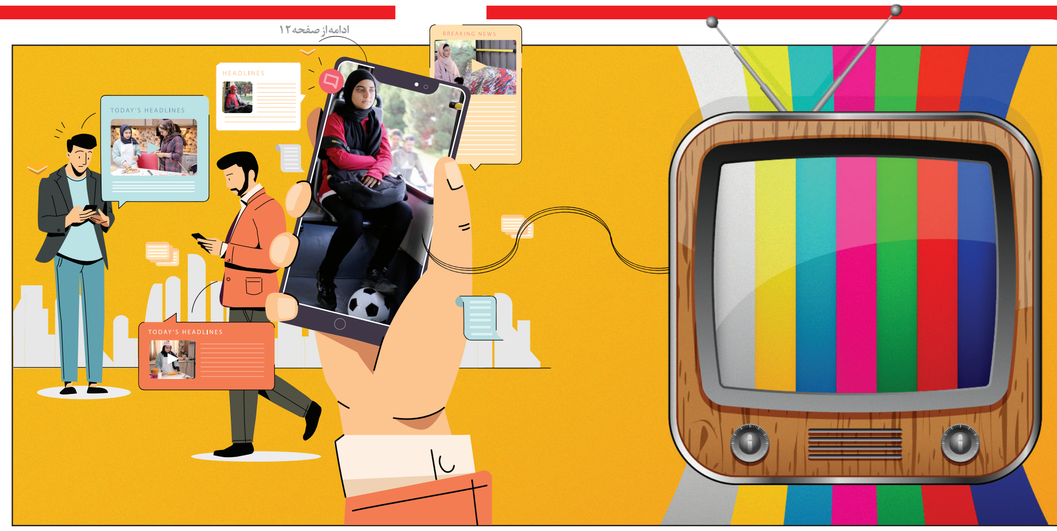

«کیمیا»؛ یک تیر و چند نشان

محمدجواد توسلی
فعال فرهنگ و رسانه

هر انسانی که روی زمین زندگی می‌کند، رویایی دارد. انسان بدون رویا، انسان مُرده است اما اینکه رویاهای هرکسی تحقق پیدا بکند یا نکند، بسته به همت اوست و در این شکی نیست. با این حال، علاوه‌بر همت و تلاش فردی، جبر جغرافیایی، شرایط محیطی و روند تربیتی و سیر زندگی افراد می‌توانند در رسیدن یا نرسیدن‌شان به رویاها نقش مهم و تاثیرگذاری ایفا کنند.

«کیمیا» یک تیر و چند نشان است، چند هدف گیری دارد که تلاش کرده درست نشانه گیری کند، اما این هم‌صدا با هم خواندن و بیان نیازهای روز جامعه و نسل‌های جوان تر آنقدر اتفاق خوبی است که باید آن را ستایش کرد، بسیار ستایش کرد و درکنارش نکات لازم و انتقادها را هم بیان کرد. نماهنگ کیمیا از یک کلامی آنلاین آغاز می‌شود و نشان می‌دهد یکی از دانش‌آموزان سرگرم پختن کیک برای شرکت در یک مسابقه کیک‌پزی است. او حواسش به کلاس نیست و همین معلم را ناراحت می‌کند. اما وقتی با توضیحات دخترک روبه‌رو شده و می‌بیند او فقط چهار ساعت وقت دارد تا کیکی را که طراحی کرده، بپزد و برساند به مسابقه، تشویقش می‌کند.

معلم به بچه‌ها می‌گوید: «قرار نیست همه دکتر و مهندس شوند و هرکس باید برود پی رویاهایش» و همین هم فضای ذهنی بچه‌ها را عوض می‌کند. هرچند همه باید درس بخوانند و سواد داشتن یا مدرک داشتن فرق دارد، اما سواد مسلما مانعی در مسیر رویاهای بچه‌ها نیست. این مدرک‌گرایی است که جامعه ما را قلع کرده و باعث شده جلوی از ما سر جای خودمان نباشیم یا بر پروازِ سمت رویاهایمان را نداشته و درگیر این شده باشیم که ذهنیت غالب جامعه برای چه رشته‌های تحصیلی‌ای جایگاه اجتماعی بهتری قائل است.

آنچه در گفت‌وگوی میان معلمان و شاگردان می‌گذرد، همان چیزی است که باید در مدارس وجود داشته باشد و ندارد. سیستم آموزشی ما کهنه و فرسوده شده و جان تازه‌ای می‌خواهد. ما نیاز به معلمان و درکل سیستمی داریم که رویایازی و عقل‌ورزی را درکنار هم به بچه‌ها یادآوری کنند و به آنها مسیر و جهت بدهند.

البته در جامعه کنونی ما، پیمودن مسیر رویاها برای زنان بسیار دشوار است و کیمیا تلاش کرده جهانی سراسر امید و سرشار از امکانات و فرصت‌ها را برای دختران به تصویر بکشد. کیمیا تلاش کرده به دختران امروز که مادران فردا هستند بگوید زنان بی‌رویا می‌توانند فرزندانی را تربیت کنند که رویاهایشان فردا را زیباتر کند و ایران را یک قدم موفق‌تر از قبل. کیمیا نشان می‌دهد از آشپزی و کیک‌پختن گرفته تا زمین فوتبال، زنان همه‌جا می‌توانند باشند و بدرخشند و رویاهایشان را دنبال کنند و این یک پیام است به دخترانی که دوست دارند جهان واقعی‌شان را تبدیل به جهانی فعال‌تر و پرتکاپوتر کنند. کیمیا و آنچه در آن می‌گذرد، شبیه زندگی مردم عادی است البته با خوشبینی تمام به امکانات و نبودن محدودیت‌های عجیب‌وغریبی که بعضا دختران در جامعه ما گرفتارش هستند و در این شرایط با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند. کمیا دخترهایی از طبقه متوسط و طیف معمولی جامعه را نشان می‌دهد که در همین فضای عادی جامعه با امکاناتی نسبتا معمولی برای بودن تلاش می‌کنند و می‌خواهند مسیر رویاهای خود را پی بگیرند.

کیمیا برای بچه‌های ایران است؛ کیمیاهایی که با درک‌شدن بهتر از سوی سیستم آموزشی، خانواده، نهادهای فرهنگی، سایستگذار، برنامه‌ریز و... می‌توانند فردای روشن‌تری بسازند. کیمیاهایی که اگر دست‌کم نگیرمشان و برایشان برنامه داشته باشیم، کاری می‌کنند کارستان!

دهه هشتادی‌ها و کیمیای آرزو

مریم رحمانی
خبرنگار

الان که این یادداشت را می‌نویسم، چند ساعتی ازروز سوم کنکور می‌گذرد؛ امارتنی که هرسال هزاران نفر در آن شرکت می‌کنند. هزاران نفری که تقریبا نیمی یا بیشتر از نیمشان نوجوانان دبیرستانی هستند که تحقیقا و طی برنامه‌های دبیرستان یک‌سال پرفشار را از سر گذرانده‌اند و تازه از امروز هم باید با اضطراب آمدن نتیجه‌ها و بعد انتخاب رشته و در مرحله آخر که به‌نوعی مرحله اول وارد شدن به یک فصل جدید از زندگی‌شان است وارد دانشگاه شده و بنابر رشته انتخابی‌شان حداقل چهارسال درس بخوانند که دست‌آخر هم آیا کار مناسب با تحصیلات‌شان پیدا می‌کنند یا نه؟ در کلیت، طی کردن این مسیر دخترو پسر ندارد و همه باید بالا و پایین تقریبا یکسانی را از سر بگذرانند اما بدون جانبداری باید بپذیریم ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ما عرصه‌های حضور و شکوفایی استعداد را برای دختران محدودتر تعریف می‌کند و شاید همین امر باعث می‌شود چه از طرف خانواده‌ها و چه از طرف خود نوجوانان بعد از دوران تحصیل‌شان راهی جز کنکور و دانشگاه برایشان تعریف نشود. اما چقدر از ما که از این مراحل گذر کرده و متوجه شده‌ایم قرار گرفتن در جایی که علاقه‌مندی توست چقدر می‌تواند لذت‌بخش و البته کمک‌کننده برای داشتن یک زندگی شاد باشد، جرات تعریف راهی جز تحصیلات عالیه را برای آینده فرزندان‌مان داریم؟ مطالب بالا به‌معنای رد کردن یا بی‌اهمیت جلوه دادن تحصیلات دانشگاهی نیست، بلکه اگر یک نفر بتواند درکنار داشتن علم و دانش به امر مورد علاقه‌اش هم بپردازد و در زمینه علاقه‌مندی‌اش قدم بردارد، قطعا آدمی‌ای سرشار از موفقیت را برای خودتضمین کرده اما وقت قرار گرفتن بین دوراهی علاقه‌ای خارج از دانشگاه و حرفی جزء چاید کرد؟ جوفه نوشتن درباره این موضوع یادبدن نماهنگی از گروه کیمیا به نویسندگی و کارگردانی سیدمیثم سجادی و اجرای گروه «بانوان در ذهنم زده شد. دخترانِ نوجوانی که سرشار از انرژی هستند و هرکدام در سرشان هزار فکر و ایده دارند اما فرصت یا شاید بگوییم بسر بردنشان در خانه را ندارند، خواه این نبودن بستر مناسب از طرف خانواده باشد و خواه جامعه. اما کسی که فکر دارد و اندیشه دست‌روی دست نمی‌گذارد و طرح‌شی را عملی می‌کند. تلاش دخترنوجوان این کلیپ مرایرت کرد، چیزی حدود ۱۵ سال پیش، دوران دبیرستان خودم، فوتبال بانوان الان با این همه رسانه و فضای مجازی و... هنوز نوعی ساختارشکنی محسوب می‌شود، حال فکر کنید اواسط دهه ۸۰ که نه اینستاگرامی بودونه کمپین خانمی اوضاع چطور بود! اما من دست بادم می‌آید دختر سال پایینی هم‌سن‌ما ن را که همیشه با یک توپ فوتبال در حیاط مدرسه می‌چرخید همان موقع‌ها که درسم هم خوب بود یا خودم می‌گفتم این آخرسر چه کاره می‌شود؟ اما سال‌ها گذشت من به دانشگاه رفتم و اوبه سالن فوتسال. هم‌محلی بودیم و گاهی همدیگر را می‌دیدیم از جزئیات زندگی‌اش خبر نداشتم و دیدار دومی‌شناختمش. هنوز توپ به دست بود و من کیف و کلاسور به دست، من از دانشگاه می‌آمدم و او از سالن فوتسال. درست یادم نیست فکر می‌کنم اوایل دهه ۹۰ یا اواسطش بود کم‌کم مسابقات فوتسال بانوان مطرح شده بود و رسانه‌ها هم به آن توجه می‌کردند. یک روز که اتفاقی از کوچه دوستان سال پایینی ردمی‌شدم بر نرگبی که عکس یک دختر با لباس ورزشی روبش بود، نظرم را جلب کرد، بله خودش بود؛ همان دختر، در برازی ملی گل زده و کلی معروف شده بود و امروز محله، برای استقبال از او آماده می‌کردند. البته من هم به دانشگاه رفته و رشته مورد علاقه‌ام را خوانده بودم و آن روزها در دفترکی از اساتیدم کارورزی می‌کردم اما چقدر از ما فرصت تجربه‌های متفاوت و انتخاب راه‌های تازه مبتنی بر علاقه‌مان را داریم؟ امروز که بچه‌های سرزمین‌مان راه‌های کسب اطلاعات مختلف در زمینه‌های گوناگون را دارند، طبیعتا راه‌های متفاوت‌تری از نسل ما را برای آینده‌شان تعریف می‌کنند اما اینکه خانواده و در مرحله بعد جامعه و مسئولان چقدر پشت این تصمیم‌ها می‌ایستند، نقطه طلایی ماجراست.

برو دنبال رویات

زهرا طیبی
خبرنگار

«درست را بخوان کنارش هم دنبال علاقه‌ات برو.» حرف‌های آشنایی که بارها از بزرگ‌ترها شنیده‌ایم یا مخاطبش خودمان بودیم یا نوجوان‌های اطراف‌مان که به چیزی علاقه داشتند که شاید با درس‌های مدرسه خیلی ارتباط نداشت. انگار فقط یک مسیر موفقیت وجود داشت و آن هم درس خواندن و دانشگاه رفتن است، چیزی که قطعا درست نیست. کلیپ جدیدی به نام کیمیا در فضای مجازی منتشر شده است که مخاطبش دختران نوجوانی هستند که در ابتدای مسیر دنبال کردن هدف‌شان قرار دارند. در این کلیپ می‌بینیم که دختران نوجوان دیگر قرار نیست با دانشگاه رفتن موفق بشوند، بلکه دقیقا وقتی موفق می‌شوند که به‌دنبال رویاها و اهداف‌شان می‌روند؛ چیزی که در نظام آموزشی ما خلافش گفته می‌شود. دانش‌آموزی از دید معلم و مدرسه موفق است که حفظیاتش خوب باشد و نمره ریاضی و فیزیکش بالا باشد و به‌سرعت معادلات ریاضی را حل کند. طبیعی است با این مدل نگاه تنها نفرات برتر کنکور به‌عنوان کسانی معرفی می‌شوند که موفقند و باهوش. در میانه این نگاه اگر تو دختری باشی که عاشق ورزش است و علاقه‌مند به فوتبال، شاید خیلی استقبالی از اطرافیان نبینی و مجبور باشی علاقه‌ات را کنار بگذاری و درس بخوانی. اگر برخلاف همکلاسی هایت، تفاتی، خطاطی یا موسیقی را دوست داشته باشی و بخواهی برای دنبال کردنش برنامه‌ریزی کنی، شاید چندان مورد تحسین قرار نگیری. احتمالا هم برچسب بازیگوش و تنبل بودن روبت بخورد که می‌خواهی از درس فرار کنی....

هدف‌ها و علاقه‌های زیادی که خیلی از دختران شاید به‌خاطر نگاه جامعه نسبت به آن و عدم‌پذیرش از سوی خانواده آن را کنار می‌گذارند و مجبور می‌شوند بدون چیزی بروند که خواست خانواده‌شان است... نماهنگ کیمیا حرف دل خیلی‌ها را می‌زند؛ دختران کنون علاقه و هدف ربطی به جنسیت ندارد حالا اگر تویک دختری وبه ورزش و فوتبال بازی کردن علاقه داری یا می‌خواهی یک کیک‌پز موفق بشوی تفاوت نمی‌کند. اصل بر دنبال کردن علاقه و رسیدن به هدفی است که دوستش داری. موضوعی که شاید هنوز تا جاافتادنش در جامعه فاصله باشد. اما می‌شود گفت شروع خوبی است. ساخت اینمیشن و نمایش برای کودکان و خردسالان شاید همیشه دغدغه خیلی از سیاست‌گذاران بوده که چه کنیم تا رشد این کودکان در مسیر درست اتفاق بیفتد؛ اما توجه به نوجوان‌ها همیشه با غفلت تاسف‌برانگیزی همراه بوده؛ غفلتی که همیشه از آن ضربه خوردیم. تولید محتوایی که امید و انگیزه ایجاد کند، برای رفتن به‌سوی هدف و علاقه حتما و قطعا مهم است به‌خصوص که اگر این جنس آثار حرف دل نوجوان را بگوید. آن هم در روزهایی که به یک‌باره همه نگران دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها شده‌اند و گمان می‌کنند این نسل تفاوت زیادی با نسل‌های قبلی دارد. تولید چنین آثاری از این جهت گام بلندی است که به‌دنبال نصیحت کردن و القای این تفاوت با دیگر نسل‌ها، نیست بلکه به‌دنبال تشویق آنها برای رفتن به سوی چیزی است که می‌خواهند باشند.

نور امید در چشم دختران ایران

کیانا تصدیق‌مقدم
خبرنگار

از گذشته تا کنون زنان ایران در شکل‌گیری تاریخ و علاقات برو، ۱ حرف‌های آشنایی که بارها از بزرگ‌ترها شنیده‌ایم یا مخاطبش خودمان بودیم یا نوجوان‌های حضور بانوان در مسائل مختلف جامعه نیست. گاهی اوقات به دلایل فرهنگ‌های قومیتی و قوانینی که برای کشور ما تعیین شده بانوان شرایط حضور در برخی مکان‌ها، شغل‌ها و فعالیت در برخی عرصه‌ها را ندارند. برای مثال بانوان در ایران اجازه ندارند در استادیوم برای تماشای فوتبال شرکت کنند یا تا چندسال پیش نمی‌توانستند بعضی از شغل‌ها مثل خلبانی یا قضاوت را تجربه کنند. این موضوعات در گذر زمان و افزایش سطح فرهنگی جامعه از یک‌سو و از سوی دیگر با توجه به ارتقای سطح علمی و تجربی و تلاش بی‌وقفه بانوان به نسبت قبل تغییر کرده و حضور فعال تر زنان، در جامعه تا حدودی بهتر از گذشته شده است. امروز زنان ما به نسبت دو یا سه‌دهه اخیر حضور فعال‌تری در عرصه‌های مختلف اجتماع پیدا کردند که البته این حضور به‌معنای آزادی آنها و برابری با فرصت‌ها و حقوقی نیست که مردان دارند. نگاه کلی جامعه آنطور است که بانوان در کارهایی موفق‌ترند که هنری یا مربوط به خانه‌داری و شیرینی‌پزی است و گاهی بر لبس باورند که زن یا دختری که به ورزش‌های رزمی یا فوتبال علاقه دارد حوی پسرانه دارند و نمی‌توانند به‌طور حرفه‌ای در این زمینه فعالیت کنند و این بخش از زنان علاقه‌مند را مسخره می‌کنند و حمایتی که باید چه از طرف خانواده‌ها و چه از طرف جامعه وجود ندارد. بااین حال در عمل شاهدیم که دختران این سرزمین با وجود محدودیت‌ها و کمبودها در عرصه‌های بین‌المللی نقش‌آفرینی کرده و سکوهای برترین‌ها را از آن خود می‌کنند. زنده‌یاد مریم میرزاخانی، اسطوره ریاضی، خواهران منصوریان که در اوج سختی و محرومیت سکوی برتر جهان را به خود اختصاص دادند، انوشه انصاری، اولین فضانورد زن ایرانی و ده‌ها و صدها دختر موفق دیگر که در عرصه‌های جهانی نام‌آور شدند نمونه‌هایی از این تلاش هستند. کلیپی تحت‌عنوان «کیمیا» در صفحات مجازی منتشر شده که روایت بخش مهمی از نوجوان‌های امروز ایران است. نوجوان‌هایی که آرزوهای بسیاری در سر دارند اما از بیانش می‌ترسند یا اینکه فکر می‌کنند اگر آرزویشان را به زبان بیاورند، مورد قضاوت و تمسخر قرار می‌گیرند. نماهنگ کیمیا می‌تواند آغازیک مسیر جسورانه برای تولیداتی باشد که از منظری تازه و البته واقعی به عرصه‌های جهانی دختران نوجوان نگاه می‌کنند. منظری که برآمده از نیازها و خواست‌های نوجوانان امروز است. همین واقعی نگاه کردن به خواست‌ها و علایق دختران ایرانی، باعث شده نماهنگ تبدیل به یک اثری جذاب و بی‌بدیل شود. به‌طور واضح وقتی از منظری واقعی به هر پدیده‌ای نگاه کنیم، گرفتار سارزدگی نخواهیم شد. سازندگان این نماهنگ با دقت‌نظر به حفظ حریم و چهارچوب‌های حضور یک دختر در جامعه، به برانشمندی این حضور تاکید دارند و این حق را می‌پذیرند. البته نور امیدی هم در چشم تک‌تک دختران حاضر در این کلیپ دیده می‌شود؛ نور امیدی برای درک عمومی حق طبیعی حضور دختران ایران در جامعه! تماشای دختری که برای بازی در فوتبال تلاش کرده و به موفقیت رسیده یا دختری که آرزویش این بوده که شیرینی‌پز ماهری شود هم لذت‌بخش است و هم نشان می‌دهد، خواستن توانستن است و تنها بدان جنگید و تا رسیدن به مقصد ادامه داد.

علی شمس، تهیه‌کننده نماهنگ «کیمیا» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

هیچ اثر هنری برای ۹ میلیون دختر نداریم

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

روز گذشته نماهنگی تحت عنوان «کیمیا» در فضای مجازی منتشر شد که نقطه تمرکز سازندگانش، توجه به خواست‌ها و علایق دختران نوجوان ایرانی است. در توضیح این نماهنگ آمده است: «روایت دختران نوجوانی که سعی دارند با تلاش و پشتکار خود به آرزوها و آرمان‌های خود برسند. آنان سعی دارند در کنار درس خواندن، خود را مقابل آرزوهای تحقق‌یافته‌شان ببینند که در این میان، از حمایت و کمک‌های معلم خود نیز بهره‌مند می‌شوند.» علی شمس که پیش‌از این نماهنگ دهه هشتادیا را ساخته بود، تهیه‌کننده‌گی این نماهنگ ۵ دقیقه‌ای را برعهده دارد. مسیری که او انتخاب کرده همچنان ادامه دارد و برآمده از یک دغدغه نسبت به نوجوانان ایرانی است. با علی شمس گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

///

حد و مرزهای حضور اجتماعی زنان ایران همواره محل چالش نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی بوده و هست. در میانه تمام این بحث‌وجدل‌ها حالا شما کلیپی ساختید که از حضور فعال دختران ایرانی استقبال می‌کند. کمی درمورد دلایل و انگیزه‌های ساخت این کلیپ بگویید؟

اول اینکه جای خالی پرداخت به این موضوع به‌شدت احساس می‌شود، یعنی در سبد تولید و توزیع محصولات فرهنگی، دختران نوجوان هیچ جایگاهی ندارند. انگار هیچ‌کس به این بخش از جامعه توجهی ندارد و انگار حضور ندارند. تقریبا ۱۸ میلیون نوجوان در کشور داریم که حداقل ۹ میلیون نفرشان دختر هستند. به‌این ۹ میلیون نفر هیچ توجهی نمی‌شود. هیچ‌محصول فرهنگی‌ای برای آنها تولید نمی‌شود، من احساس کردم اگر به‌سمت ساخت کلیپی با این موضوع بروم؛ بین دختران نوجوان دیده می‌شود و برایشان جذابیت دارد.

مساله دیگر این بود که مسیرهای انتخاب متنوعی را نشان دهم که پیش روی نوجوانان است. شما اگر همین شبکه‌های تلویزیونی را ببینید، چند موسسه هستند که برای کنکور تبلیغ می‌کنند و تبلیغ روش‌های تست‌زنی است و انگار هیچ‌مدل دیگری برای زندگی کردن وجود ندارد و نوجوان‌های ایران تنها مسیری که پیش‌روی آنهاست مربوط به کنکور ریاضی، تجربی و نهایتا علوم انسانی است و بعضی هم در کنکور هنر شرکت می‌کنند. امسال یک‌میلیون و ۹۰ هزار نفر شرکت‌کننده کنکور هستند که ۶۰۰ هزار نفر آنها در گروه تجربی امتحان می‌دهند، یعنی بیش از نیمی از جمعیت شرکت‌کننده در کنکور سراسری برای رشته تجربی آزمون می‌دهند. از اکثرشان هم سال کنید، می‌خواهند دکتر شوند، استدلال‌شان هم این است که دکتر بهایی دارد. کسی دنبال استعدادش نمی‌رود. ضمن اینکه خانواده‌ها هم اجازه نمی‌دهند و معتقدند که بچه اینجا، عقلش نمی‌رسد و متوجه نیست و باید بود و آینده‌اش را بسازد و آن آینده پول است که آن پول هم در پزشکی است و جای دیگری نیست. به همین دلیل خانواده‌ها تلاش می‌کنند، بچه‌هایشان را به‌سمت رشته‌های تجربی یا ریاضی سوق دهند. اما معتقدم اینطور نیست و دیالوگ معلم در این ویدئو خطاب به همین موضوع است که می‌گوید همه آدم‌ها نباید ریاضی و شیمی و فیزیک بخوانند. دنیا را آنهایی ساخته‌اند که از بچگی رویایی در سر آنها بوده و همه آنهایی که در دنیا یک تاثیر جدی گذاشتند، این فکر را داشتند. احساس کردم یک نفر باید این حرف را بزند و معمولا آدم‌ها برای زدن این حرف رودربایستی دارند. اینکه بگویند باید بروی دنبال رویاهایت خدا هم کمک می‌کند واتفاق خوبی می‌افتد. از این جهت فکر می‌کنم حرف متفاوتی به نسبت باقی تولیدی‌ها داشتیم. جذابیت این کار برای من این بود که حرف جدیدی در آن است. انگار که یک مقدار به نوجوان اعتمادبه‌نفس می‌دهد که به‌دنبال رویاهایش برود.

برخلاف ادعایی که مطرح است، به‌نظر می‌رسد هنوز نمی‌توان اینفلوئر صریح درمورد حضور اجتماعی زنان صحبت کرد. فکر نکردید که برای انتشار این اثر دچار مشکل شوید؟

حتما ملاحظاتی داشتیم، علتش هم این است که حرف‌هایی داشتیم که در جمهوری اسلامی همه‌آن رقبول داشتند اما برای گفتنش رودربایستی دارند. انگار که جسارت لازم برای بیان صریح این موضوع ندارند. چه‌اشکالی بگویم من تولیدکننده هستم و الزم را تولید می‌کنم و واجبه آن صحبت نمی‌کنم. زمانی که موافقان و مخالفان درحال گفت‌وگو با یکدیگر هستند و گل بزنده را در یک موقعیت حساس می‌زند. اینکه برای ایران افتخارآفرینی کند چه مشکلی دارد؟ من به‌عنوان یک دختر رویای فوتبال را دارم و این فضا را دوست دارم، قرار هم نیست جایی بروم و قرار است در همین کشور بازی کنم و افتخارآفرینی کنم. به نظر من این موضوع مشکلی ندارد و به همین دلیل گفتنش هم اشکالی ندارد.

چند نفر در طراحی و تولید این پروژه حضور داشتند؟

ما یک تیم هستیم. تقریبا ۱۰ نماهنگ سریالی پسرانه تولید کردم که آخری آن کلیپ دهه هشتادی‌ها بود و دوست داشتم فضای دخترانه این جنس کار را هم نشان دهم. دوست داشتم به فضای دخترانه هم بپردازیم و مشکلاتی را نمایش دهم که یک دختر نوجوان دارد بااُن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. درتیمی که داریم راجع به موضوعات بسیار گفت‌وگو کردیم یا یکی از موضوعات ما فوتبال و کیک‌پزی بود. بقیه موضوعات هم آماده است و به‌زودی دومین کار را هم تولید می‌کنیم. وجه‌مشترک بین تمام موضوعات مسائل دخترانه است.

کلیپی که ساخته شده بیش از آنکه تاکیدش بر حضور زنان در جامعه باشد، از ضرورت تغییر یک رفتار صحبت می‌کند. درست است؟

بله، دوباره برگردیم به همان مثال کنکور. بین آن یک‌میلیون و ۱۰۰ هزار نفر شرکت‌کننده کنکور و ۶۰۰ هزارنفری که در کنکور تجربی شرکت کردند، فقط ۱۲۰ هزار نفر ظرفیت پذیرش دانشگاه داریم، یعنی نزدیک ۵۰۰ هزار نفر آنها قبول نمی‌شوند. ۵۰۰ هزار سرخورده و ناامید به جامعه اضافه می‌شود. آیا واقعا این ۵۰۰ هزار نفر علاقه و استعدادشان پزشکی است؟ می‌خواهم بگویم این اتفاق یک مقدار برای دخترنوجوان امیدبخش است که بگویم به علاقه‌های تو را جدی می‌گیریم و سلیقه تو برایمان مهم است واتفاقا تشویقت می‌کنیم تا بااُن برسی. رویای تو پزشک شدن نیست، بازیگر شدن یا فوتبالیست شدن است، دنبال رویاهایت برو و برای آن وقت بگذار. فکر می‌کنم این تغییر نگاه یک درصد بسیار زیادی از سرخوردگی و ناامیدی را در جامعه کاهش می‌دهد. این کلیپ سهم کوچکی در تغییر این فضا دارد و همه ما موظفیم به تنها سلیقه و استعداد همه زنان سرزمین‌مان را جدی بگیریم، بلکه باید آنها را تشویق کنیم تا به‌دنبال علاقه‌هایشان بروند.

به نظر می‌رسد این نگاه شما در موضوع فعالیت دختران ایرانی در جامعه، مخالفان جدی داشته باشد. آیا منتظر واکنش‌ها و پاسخ‌های منفی هستید؟

حتما این کار بازخوردهای منفی خواهد داشت. یعنی این کلیپ هم موافقان و هم مخالفانی دارد. مخاطب اصلی این کار دختران نوجوان هستند. این کلیپ را با یک جمع ۸۰ نفره از دختران نوجوان ساختیم. همه کلیپ‌ها را قبل از انتشار به آنها نشان دادم و نظراتشان را بررسیدم و در بین آنها یک بازخورد منفی نداشتم و احتمالا بین دختران نوجوان هم بازخورد منفی نخواهیم داشت.

به این موضوع فکر کردید که به بازخوردهای منفی چه پاسخی باید دهید؟

خیر. من تولیدکننده هستم و منتقد نیستم. تئوریسین هم نیستم. تئوریسین‌ها باید بیایند و راجع به آن حرف بزنند و گفت‌وگو کنند. می‌خواهم بگویم من تولیدکننده هستم و الزم را تولید می‌کنم و راجع به آن صحبت نمی‌کنم. زمانی که موافقان و مخالفان درحال گفت‌وگو با یکدیگر هستند ما کار بعدی را هم تولید می‌کنیم.

فکر می‌کنید امکان پخش این کلیپ در تلویزیون وجود دارد؟

خیلی احتمال نمی‌دهم که این مدل کلیپ‌ها از تلویزیون پخش شود. اگر هم پخش کنند، فکر می‌کنم فشارهایی به تلویزیون بیاید که دیگر این مدل کارها اده‌امه‌دار نباشد. موقعی که داشتیم داستان این کلیپ را می‌نوشتیم معتقد بودیم که تلویزیونی نخواهد بود در بستر اینستاگرام منتشر می‌شود. اما در اینستاگرام یک مشکل دیگری داریم که یکی از تک‌پلان‌ها دختری در اتاقش نشسته و عکس حاج‌قاسم سلیمانی روی دیوار اتاق نصب است و اینفلوئنسرها نگران پیج‌شان هستند و می‌گویند درصورتی کلیپ را منتشر می‌کنیم که این پلان حذف شود. ما در تلویزیون یک مشکل داریم و در اینستاگرام مشکلی دیگر.

فکر می‌کنید محتوایی که تولید کردید چقدر می‌تواند در تغییر نگاه‌ها موثر باشد؟

بسیار زیاد. ما راهی غیر از گفت‌وگو با یکدیگر نداریم. این نگاه‌ها باید در مقابل یکدیگر قرار بگیرند و گفت‌وگو کنند و بعد از این گفت‌وگوها مشخص می‌شود که قرباِنی این دعواها و این مدل نگاه، نوجوانان هستند. کسانی که نمی‌توانند سراغ علاقه و استعدادشان بروند. ما باید از اینجا عبور کنیم. نمی‌شود این مسائل را نگفت و کتمان کرد. باید این مسائل را بیان کرد و واجبه آن گفت‌وگو کرد. می‌دانم بعد از این جریانی راه می‌افتد که تولیدکنندگان به این فکر می‌کنند که می‌توانند با موضوع دختران نوجوان هم تولیدی داشته باشند. مخالفان و موافقان در این جریان باهم گفت‌وگو خواهند کرد و این موضوع ثمربخش خواهد بود.

راجع به تغییر در نظام آموزشی چندین سال است که صحبت می‌شود و در این کلیپ معلم هم دیالوگی دارد که به این موضوع مربوط است. کمی در این مورد صحبت کنید.

درست نوجوانی بیشترین تاثیر از فضای بیرون خانواده‌ا ز دوست و معلم و آشناست. دوست داشتم به این بپردازیم که یک معلم چقدر می‌تواند روی سرنوشت یک بچه تاثیرگذار باشد. فکر کنید موقعی که مانده داشت کیک درست می‌کرد معلم‌اگر ن را دعوا می‌کرد و انتقدی یا اوبرخورد می‌کرد. اتفاقی که می‌افتاد مانده سرخورده نباود و بدون انگیزه می‌شد در حالی که معلم نقطه مقابل این ماجرا عمل کرد و او را تحویل گرفت و بعد، تاتوانی خودش را دید که دوست داشت در این مسابقه شرکت کند و موفق شده است و حالا که استعدادش را نداشته به شاگردش کمک کرده تا دنبال استعداد و علاقه‌اش برود و بقیه دانش‌آموزان هم تحت‌تاثیر این فضا قرار می‌گیرند و استعدادهای خودشان را پیدا می‌کنند. یک دفعه یک اتفاق عجیب‌وغریب می‌افتد و سرنوشت آن بچه را دچار تغییر می‌کند. می‌شد یک برخورد بد هم کرد اما نوع معلمان ما باید این طور باشد که وقتی احساس می‌کنید بچه استعدادی دارد به آن کمک کند که به چیزی که دوست دارد برسد. در مسیر استعدادیابی و تلاش برای اینکه هرکسی سراغ استعدادخودش برود، عوامل زیادی تاثیرگذار هستند. از پدر و مادر گرفته تا مراکز آموزشی، فرهنگی و موسسات و محله‌ها همگی باید دست به دست هم بدهیم تا بچه‌ها جرات کنند راجع به علاقه‌هایشان صحبت کنند. به نوبه خودم تلاش کردم این حرف را بزنم اما همه مسئولان باید کمک کنند تا این حصار شکسته بشود. دوست دارم مراکز فرهنگی این فضا را فراهم کنند تا بچه‌ها بتوانند جسارت حرف زدن راجع به این موضوع را پیدا کنند.

چارسو

اولین تصویر از بازیگر نقش «سلمان فارسی» منتشر شد

همزمان با آغاز تصویربرداری مجموعه تلویزیونی سلمان فارسی به کارگردانی داود میرباقری، اولین تصویر از علیرضا شجاع‌نوری، بازیگر نقش سلمان فارسی، رونمایی شد. نقش سلمان فارسی را در این پروژه سه‌بازیگر در سه مقطع «کودکی و نوجوانی»، «جوانی» و «میانسالی و پیری» ایفا می‌کنند که شجاع‌نوری در این سریال نقش «دوران میانسالی و پیری سلمان فارسی» را بازی می‌کند. پروژه سلمان فارسی که نگارش اولیه آن در ۷۸ به پایان رسیده بود، پس از وقفه‌ای ۲۰ ساله در دی ماه ۹۸ در کرمان کلید خورد. قشم، شاهرود، جلفا و رود ارس، شهرک غزالی، سواحل مازندران، شهرک سینمایی نور و... از مکان‌هایی بودند که ظرف دو سال گذشته فیلمبرداری در آن صورت گرفت. در ابتدای سال جاری، تمرکز گروه بر ساخت دکوراهای درعمه‌ورید، کاخ ستانور خاروس و پخش‌های داخلی کلیسا بود و پس از وقفه‌ای یک‌ساله، فیلمبرداری در شهرک دفاع مقدس آغاز شد. ادامه این سکانس‌ها که مربوط به قصر خاروس است، در شهرک غزالی تصویربرداری خواهد شد. بیرانس که فصل میانی سریال محسوب می‌شود، پس از کوشش ۳۶ ماهه، در اواخر پاییز ۱۴۰۱ به پایان می‌رسد و گروه تولید از زمستان، فصل اول این را آغاز خواهند کرد. تاکنون بیش از ۱۹ قسمت از این مجموعه تلویزیونی تصویربرداری و تدوین اولیه شده است.

نمی‌نویسم چون حوصله دعوا ندارم

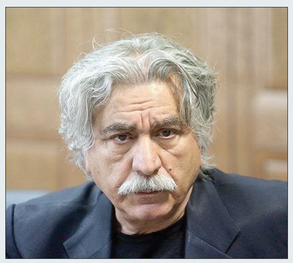

سیروس میمنت در گفت‌وگو با ایسنا درباره همکاری‌اش با فصل چهارم سریال «نون.خ» توضیح داد: «این مجموعه به‌تازگی پیش‌تولیدش آغاز شده و گروه مشغول انجام کارهای اولیه و تکمیل مراحل نگارش هستند اما هنوز ما مقابل دوربین نرفته‌ایم. فکر می‌کنم تا اوایل پاییز این اتفاق بیفتد و کارمان شروع شود. راستش هنوز خیلی درباره شخصیت کیوان در سری چهارم صحبت نکرده‌ایم و متن را کامل نخوانده‌ام اما قطعا شخصیت ذاتی این کاراکتر تغییر نمی‌کند و همان کیوان است؛ اما ممکن است با یک شکل و رفتار جدیدی از این شخصیت مواجه شویم و واکنش‌های جدیدی از کیوان ببینیم.» میمنت در پایان گفت‌وگوی خود درباره اینکه چرا دیگر نمی‌نویسد، گفت: «راستش خیلی فرصت نمی‌شود اما نه اینکه کلا نمی‌نویسم؛ اتفاقا نوشتن را بیشتر از بازیگری دوست دارم و شغل اولم است، چه کار بشود و چه نشود، من همیشه درگیر نوشتن هستم. اما راستش را بخواهید شاید حوصله این را ندارم که بروم و دعوا کنم که چرا طرحم رد می‌شود؛ وگرنه موضوعات خیلی خوبی دارم که اگر فضا خوب باشد، می‌توانیم کار کنیم. اما در این شرایط فعلا خیر. اگر کاری از من درنمی‌آید، دلیل